

## دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور - 7 / آذر / 1384

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هفته ی بسیج و میقات فرزندان دلاور این کشور و تجدید خاطرات عظمت هایی که این جوانان در طول این سال ها آفریده اند، فرصت بسیار مهم و بزرگی است.

امروز مصادف است با سالگرد شهادت امام صادق ( علیه الصلّٰة والسلام). بین حرکت امام صادق ( علیه الصلّٰة والسلام) و به طور کلی حرکت عمومی ائمه ی هدی ( علیهم السلام)، بخصوص ثه امامی که از بعد از حادثه ی عاشورا تا زمان غیبت حضرت ولی عصر ( ارواحنا فداه) این منصب را داشتند، با رفتار و هویت و حرکت بسیجی امروز ملت ما، رابطه یی وجود دارد. وقتی شما به تاریخ اسلام نگاه می کنید، مقطعی را می بینید که در آن، خلافت - یعنی حکومت مبتنی بر پایه های دین - تبدیل شده است به سلطنت، که یکی از مقاطع بسیار خطرناک تاریخ اسلام است. البته بعضی از صحابه ی بزرگ پیغمبر در همان اوقات، جامعه ی اسلامی را از این که این حادثه پیش بیاید، برحذر می داشتند؛ اما پیش آمد. چرا پیش آمد و علل و عواملش چه بود و چه کسانی بودند؟ اینها فعلاً مورد بحث من نیست، ولی این حادثه اتفاق افتاد. نتیجه ی این اتفاق این بود که جامعه یی که بر اساس ارزش های دینی و اسلامی و در جهت سعادت و صلاح انسان و انسانیت پدید آمده بود، مسیر خودش را به صورت فاحشی تغییر داد. وقتی از منبع و مرکز حکومت یک جامعه، تقوا نتراود، صلاح و دین و معرفت و هدایت سرازیر نشود، بلکه به عکس، از رأس قله ی جامعه، دنیاطلبی، اشرافیگری، ماده گرایی، شهوت پرستی صادر شود و بروز کند، معلوم است که در یک چنین جامعه یی، چه بر سر ارزش های اصیل و والا خواهد آمد. و این اتفاق در یک برهه یی، سال ها بعد از وفات نبی مکرم اسلام، در تاریخ صدر اسلام پیش آمد. در چنین شرایطی، دلسوزان و مؤمنان صادق، چه وظیفه یی دارند؟ در رأس همه، آن کسانی که بیش از همه وظیفه دارند، امامان معصوم هستند؛ زیرا خدای متعال به آنها از علم خود، از روح خود، از هدایت خود، نصیب وافر داده است؛ آنها را عالم و معصوم و هدایت کننده و هدایت شونده قرار داده است. ائمه ی ما در این دوران، وظیفه ی خودشان دانستند که در مقابل این انحراف عجیب بایستند. آنها مدتی با ایستادگی رویاروی و واضح سیاسی - مثل دوران امام حسن و امام حسین ( علیهما السلام) که اثر خود را گذاشت - کار خود را کردند. آن کار، شعله ی اعتراض عمیقی را به وضعیت تازه ی پدیدآمده ی انحرافی در جامعه ی اسلامی برافروخت و بعد از آن، در دوران ائمه ی بعدی، این کار با دشواری بسیار پیچیده و پُرنجی ادامه پیدا کرد. ائمه ی اطهار ( علیهم السلام) وظیفه ی خود می دانستند که هم پایه ی ارزش ها و تفکر اسلامی را در ذهنیت جامعه مستحکم و عمیق نمایند و هم سعی کنند که بنای آن سلطنت پدید آمده و بناحق بر جای نبوت نشسته را منهدم و ویران کنند و یک بنای حقیقی و صحیحی به وجود بیاورند. ائمه ( علیهم السلام)، این دو کار را می کردند. آنچه عرض می کنم، موضوع یک بحث بسیار طولانی و ریز است که کتاب ها خواهد شد؛ این، یک تصویر اجمالی از دور است.

ائمه ( علیهم السلام)، مبارزه ی بسیار پُرنج و پُرتلاش و پُرمحتوا و فراگیری را می کردند؛ هم در زمینه ی معنوی و فرهنگی؛ برای حفظ پایه های اعتقاد اسلامی و جلوگیری از انحرافی که در جهت بنای حکومت سلطنتی ممکن بود به وجود بیاید، که به وجود آمده بود؛ هم در جهت مبارزه ی سیاسی. اوج این حرکت در زمان امام صادق بود. نمی شود گفت در زمان های دیگر، این حرکت اوج نداشت؛ چرا، در زمان امام رضا ( علیه السلام) و در زمان های دیگر هم همین طور بود؛ منتها زمانه در دوران امام صادق ( علیه السلام) یک فرصت و فسحتی را در اختیار گذاشت و این بزرگوار توانستند کاری بکنند که با پایه های معرفت اسلامی صحیح در جامعه، آن چنان مستحکم بشود که تحریف ها دیگر نتواند این پایه ها را از بین ببرد. ایشان این کار را کرد، تا این زمینه بماند و در هر دوره یی از دوره های

تاریخ، کسانی که لایق هستند، بتوانند از این زمینه استفاده کنند و نظام اسلامی و مبنای مبتنی بر ارزش های اسلامی را به وجود بیاورند و این بنای رفیع را بسازند. این، کار امام صادق ( علیه الصلوة والسلام ) است. آنچه که ما امروز در عرصه ی نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه هستیم، شباهتی به این حرکت عظیم عمیق نیازمند به صبر و حوصله ی ائمه ( علیهم السلام ) دارد ؛ به همان اندازه هم تأثیرات عمیقی را دارد.

امروز دنیای اسلام تقریباً شامل یک میلیارد و نیم جمعیت، با حدود پنجاه کشور و دولت، است. اگر در بین این جمعیت عظیم - که در نقاط مهم دنیا هم ساکنند - تکیه ی به ارزش های اسلامی وجود می داشت، بدون شک، امروز ملت مسلمان و امت بزرگ اسلامی پیشتاز در علم و مدنیت و معرفت و جلوه ی دین و دنیا و اخلاق و زندگی بود ؛ چیزی که امروز ما در دنیا نداریم و نظیر آنچه را هم که این تصویر را در ذهن ما زنده می کند، در دنیا نیست. ملت ها و دولت های غرب، پیشرفت علمی دارند ؛ جلوه های برآقی در زندگی آنها مشاهده می شود ؛ اما این، فقط بخشی از وجود انسان است و اخلاق و معنویت، رحم و انصاف، دلبستگی به آرمان های والای الهی، ارتباط با خدا و پرداختن به دل، در زندگی آنها نیست و روزبه روز کم رنگ تر شده است و باز هم داریم کم رنگ تر می شود. اگر یک روز معابد و کلیساهای آنها یک مسحه یی از معنویت داشت، آن هم بتدریج تحت تأثیر هیمنه ی مادیت دنیا ضعیف تر و ضعیف تر می شود ؛ اما ما در طول این قرن های متمادی، یک مجموعه ی عظیم انسانی را در دنیا نداشتیم که هم بتواند دنیای خود را از لحاظ بهره مندی از مواهب طبیعت و پیشرفت های علمی دنیایی آباد بکند، هم توجه به معنویت، توجه به اخلاق، جزء اصلی زندگی آنها باشد و آنها با خدا ارتباط خودشان را قطع نکنند و برای ارتباطات مهم زندگی هم از تعلیم و هدایت الهی خودشان را محروم نکنند. دنیای اسلام می توانست چنین وضعیتی را داشته باشد ؛ اما متأسفانه پیش نیامده. دنیای اسلام تا وقتی انقلاب عظیم اسلامی پیش نیامد، یک نظام مبتنی بر تعالیم اسلام و هدایت اسلامی را تجربه نکرد. این انقلاب درست در خط جهت گیری ائمه ( علیهم السلام ) قرار داشت. ما اگر در این بیست و هفت سال توانستیم و در وسع و قدرت ما بود که حرکت خود را با همان نواخت و آهنگی که ائمه ( علیهم السلام ) پیش می رفتند، تنظیم بکنیم، امروز به قله های خیلی رفیعی رسیده بودیم ؛ منتها ما ضعیف و ناقص هستیم. آنچه پیغمبر اکرم در ظرف ده سال حکومت خود انجام داد، جوامع معمولی و رهبران معمولی مؤمن به همان راه، در ظرف صد سال هم نمی توانند انجام بدهند. نواخت کار و آهنگ حرکت ما، آهنگی است که از ضعف های ما سرچشمه می گیرد. ما در جنب آن انسان های قدسی و بزرگ، انسان های ضعیفی هستیم، ولی به هرحال حرکت کردیم و به قدر وسع و توان خود پیش رفتیم.

ملت ایران از جان خود، از عزم و اراده ی پولادین خود مایه گذاشت و تا امروز کارهای عظیمی انجام شده است که بعضی از آنها شبیه افسانه است. این حرکتی که از اول انقلاب تا امروز در جهت ایجاد یک بنای رفیع اجتماعی مبتنی بر هدایت دین و انگشت اشاره ی قرآن، در کشور ما انجام می گیرد، تداوم همان حرکت ائمه ( علیهم السلام ) است. لب و لباب و مظهر خالص و کامل این حرکت هم از اول انقلاب تا حالا، بسیج بوده است. وقتی می گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه ی نظامی و ملبس به لباس نظامی و آموزش های نظامی نیست، بلکه بسیج، یعنی مجموعه ی انسان هایی که نیروی خودشان را به میدان می آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملت شان، در جهت رسیدن به قله ها، فعال باشند و با آنها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند ؛ این، معنای بسیج است. آن مادری که با عشق به فرزند خود - که عشق مادران به فرزندان شان، چیزی شبیه افسانه هاست ؛ افسانه یی که هر روز در زندگی ما، هزاران و هزاران بار واقعیت و تجسم پیدا می کند - با طوع و رغبت، او را راهی جبهه ی دفاع می کند و بعد که جنازه ی فرزند شهیدش را تحویل می گیرد، به جای اظهار پشیمانی، به جای اظهار گله، اظهار سرافرازی و افتخار می کند، مظهر یک بسیجی کامل است. آن خانواده هایی که در دوران سخت این کشور، در همه ی مشکلاتی که بر سر راه این ملت وجود داشت، خود را سهیم دانستند ؛ با زبان شان، با پول شان، با کار دستی شان، با حضورشان، همان کاری را که می توانستند انجام بدهند، آن را به میدان آوردند، اینها بسیجی اند. یک سیاستمدار

بسیجی، يك نظامی بسیجی، يك دانشجوی بسیجی، يك روحانی بسیجی، يك کشاورز بسیجی، يك کارگر بسیجی، يك محقق و دانشمند بسیجی، يك استاد بسیجی، از همه ی قشرها يك بسیجی، آن کسی است که مقدرات و امکان خود را در راه هدف های عظیم این ملت به میدان می آورد؛ خود را سهم می کند؛ خود را مسؤول می داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آن جایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا يك گوشه اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این گونه نیست. آن جایی که نیازمند رفتن به عرصه ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی شناسد؛ آن جایی که جای حضور در عرصه ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پُرنشاط است؛ آن جایی که در عرصه های بین المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه های گوناگون بین المللی؛ عرصه ی سیاسی، عرصه ی فرهنگی، عرصه ی ورزشی - او در آن جا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آن جا حاضر می شود؛ آن جایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلات نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می گذارد؛ آن جایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می کند. این، بسیجی است.

بسیجی هم شدت و ضعف دارد. بعضی در میدان بسیج، خلوص و صفایشان مثل خورشید می تابد و انسان را مجذوب می کند. به هر حال، بسیج يك فرهنگ است؛ بسیج، يك ذهنیت برجسته و والا در جامعه ی ماست.

ابراز دشمنی با بسیج، یعنی ابراز دشمنی با مجاهدت و تلاش و نشاط و کار در همه ی میدان ها. خیلی روشن است که آرزومندان ناکامی این ملت، از بسیج ناراحتند. هر کس آرزومند است که این ملت ناکام بشود و شکست بخورد، از حضور بسیج ناراحت است. همه ی دشمنان، همه ی حاسدان، همه دل بستگان به دشمن در داخل، از بسیج خوش شان نمی آید. اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل های بیشتر و نشاط متراکم تری را وارد این صحنه ی عمل بکنید، آینده ی این کشور تضمین شده تر است. روحیه ی بسیجی يك روحیه یی است که اگر در هر نقطه یی و در هر قشری به وجود بیاید، در آن جا فعالیت و نشاط و حرکت و حیات را مضاعف و چند برابر می کند؛ این معنای بسیج است.

بعضی خیال می کنند بسیج يك سازمان دولتی است؛ اما این طور نیست. اگر هر کدام از دستگاه های گوناگون کشور روحیه ی بسیجی پیدا کنند، توفیقات شان بیشتر می شود. امروز خوشبختانه دولت و رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی و مسؤولان گوناگون افتخار می کنند که عضو بسیجند. فرهنگ بسیجی است که می تواند بر همه ی تحولات این کشور فایق بیاید و حرکت این کشور را تضمین کند.

عزیزان من! ملت ما ده ها سال از مسیری که باید پیش می رفت، عقب نگه داشته شد؛ ما باید این عقب ماندگی را جبران کنیم. اینها واقعیت است؛ اینها عینیات تاریخ ماست. با ملت ما، یعنی همان ملتی که امروز در میدان علم که وارد می شود، در دنیا شگفتی می آفریند؛ در برخورد نظامی که وارد می شود، دشمنان مجهز را دچار حیرت می کند؛ در زور آزمایی های سیاسی که وارد می شود، حریفان قدر را حریف می شود - ما ملتی این گونه داریم. این ملت با این سرمایه های استعداد انسانی و با این سرزمین پهناور و حاصلخیز و زرخیز و سرشار از منابع طبیعی، می توانست در اوج قله ی علم و تمدن و پیشرفت مادی و معنوی قرار بگیرد - کاری کردند که شد جزو کشورهای جهان سوم؛ آن هم در آن ردیف های آخر آخر! این که این قدر دانایان این کشور به رژیم طاغوت لعن و طعن می کنند، بیهوده نیست. این جنایت بر کشور ما وارد آمده و بر ملت ما تحمیل شد. ملتی را که می توانسته به اوج بینهایت پرواز کند، بال هایش را بریدند، پاهایش را بستند و زخمی اش کردند؛ ملت ما را به يك ملت بدبین به خود، ناامید از آینده ی خود، بی تحرك برای رسیدن به افق های دوردست، مجذوب و واله در مقابل دیگران، تبدیل کرده بودند؛ اما

انقلاب آمد و يك تكان سخت و يك تغيير نگرش عميق به اين ملت داد، که ملت ما بيدار شد، حرکت کرد، راه افتاد، خودش را شناخت و گفت «می توانیم»؛ و توانست، حالا هم پیش رفته است. موتور حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه ی ما، به راهنمایی ها و هدایت های الهی است، که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد؛ حرکت ما هم حرکت خوبی بوده و دشمن هم اتفاقاً همین نقطه ی اساسی، نقطه ی ایمان، را بمباران می کند. الان در بین جامعه ی ما يك مجموعه ی افتخار می کنند و با حماسه، از ایمان خودشان یاد می کنند. این، خیلی باارزش است. این، بسیج است.

همه ی ابزارهای فرهنگی و تبلیغی در طول صد سال یا بیشتر به کار گرفته شد، تا این ملت را به خودشان بدبین کنند - یکی از شخصیت های سرشناس معروف می گفت: ایرانی، يك لولهنگ نمی تواند بسازد! - لولهنگ یعنی آفتابه گلی؛ آن زمانها از گل، آفتابه درست می کردند. این جور این ملت را تحقیر می کردند. این ملت حالا در زمینه های زیستی، در زمینه ی فعالیت های گوناگون علمی، تحقیقی کارهایی می کند که خودش را جزو ده کشور اول جهان قرار می دهد؛ این، شوخی نیست. این مسأله به ملت ما، به شما جوان ها، در هر جا که هستید و در هر قسمتی که کار می کنید، هشدار می دهد که قدر خودتان را بدانید، حرکت کنید، ناامید نشوید؛ شماها می توانید. شما آن نسلی هستید که اگر خوب عمل کردید، آینده ی این کشور را - صد سال، دویست سال یا بیشتر - تضمین خواهید کرد. همین بيدار شدن، همین حساس بودن، همین انگیزه داشتن، همین ایمان، همین امید، همین تکیه به هدایت الهی و اعتماد به کمک الهی، قواره ی اصلی بسیج است؛ این يك فرهنگ است. اگر این طور حرکت کنیم، خدای متعال کمک خواهد کرد. کمک الهی متعلق به همه ی خلایق است؛ به شرطی که خودشان را آماده ی دریافت این کمک کنند؛ دستشان را دراز کنند و این میوه را بچینند؛ از جا بلند شوند، همت کنند و از این میوه استفاده کنند؛ این، در اختیار همه است. البته عده یی نمی خواهند، شهوات نمی گذارد، گمراهی ها نمی گذارد، کوری ها نمی گذارد که ببینند و بفهمند و همت کنند؛ اما شما ملتی هستید که خواسته اید، شناخته اید، حرکت کرده اید و استفاده ی زیادی هم برده اید، باز هم باید تلاش کنید، تا ان شاءالله از رحمت الهی استفاده کنید و ان شاءالله دعای حضرت بقیةالله هم شامل حال همه ی شماها باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته